

وظایف و نقش والدین در تربیت و پیشرفت دانش آموزان

ملیحه هنرپرست

آموزش و پرورش استان گیلان

چکیده:

نقش والدین در تربیت دانش آموزان بسیار حیاتی و اساسی است. والدین به عنوان اولین معلمان و الگوهای کودکان، بر عهده دارند که اصول اخلاقی، ارزش‌ها، مسائل اجتماعی و فرهنگی را به آن‌ها آموزش دهند. والدین باید به عنوان مشاوران، راهنمایان و حامیان کودکان خود عمل کنند و آن‌ها را در مسیر درست رشد و توسعه هدایت کنند. همچنین، ایجاد محیط مناسب برای یادگیری، تشویق به پژوهش و خلاقیت، تحمل اشتباهات و اشتیاق به پیشرفت نیز از وظایف والدین در تربیت دانش آموزان محسوب می‌شود. والدین در تربیت دانش آموزان بسیار حیاتی و اساسی است. والدین به عنوان اولین معلمان و الگوهای کودکان، بر عهده دارند که اصول اخلاقی، ارزش‌ها، مسائل اجتماعی و فرهنگی را به آن‌ها آموزش دهند. ارتباط صمیمانه و پایدار والدین با فرزندانشان، ایجاد اعتماد و امنیت در کودکان و ارتباط موثر برای توسعه مهارت‌ها و رشد شخصیتی آن‌ها بسیار اهمیت دارد.

والدین می‌توانند با ایجاد محیط‌های موثر و حمایت‌های لازم، به تحقق اهداف تحصیلی فرزندانشان کمک کنند. برخی از نقش‌های والدین در این زمینه عبارتند از:

تشویق و پشتیبانی: والدین می‌توانند با تشویق، انگیزه‌بخشی و پشتیبانی مداوم، فرزندان خود را به تلاش برای پیشرفت تحصیلی ترغیب کنند. برنامه‌ریزی و مدیریت زمان: والدین می‌توانند به فرزندانشان کمک کنند تا برنامه‌های مطالعاتی منظم داشته و زمان خود را بهینه‌سازی کنند. ارتباط با مدرسه: والدین می‌توانند با برقراری ارتباط موثر با مدرسه و معلمان فرزندانشان، از روند تحصیلی آن‌ها آگاه باشند و در صورت نیاز، همکاری کنند. ارزیابی و پیگیری: والدین می‌توانند عملکرد تحصیلی فرزندان خود را ارزیابی کرده و در صورت نیاز، اقدام‌های لازم را برای اصلاح و بهبود آن انجام دهند. به طور کلی، حضور فعال والدین و توجه آن‌ها به مسائل تحصیلی فرزندانشان، نقش بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی و موفقیت آن‌ها دارد.

کلیدواژه‌ها: والدین، معلمان و دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

در میان همه ی جوامع دنیا با وجود پیشرفت های مختلف در موضوعات پیش رو اما در همه ی جوامع هم چنان خانواده ها با همان قوت قبلی به ارزش و حساسیت خود در مسائل مختلف در آموزش و تربیت فرزندان در میان همه ی عوامل تاثیر گذار در این زمینه باقی است به گونه ای که در همه ی جوامع دنیا هیچ کس نمی تواند منکر این باشد که خانواده ها تاثیر چندانی در رشد و تربیت فرزندان و دانش آموزان تاثیر مهم و اساسی دارد این حساسیت از گذشته های دور تا امروز به قوت و جایگاه بارزش و اساسی خود ادامه داده است اما این قوت با وجود این که هر چقدر که دنیای اطراف ما پیشرفت می کند و به سمت جلو حرکت می کند با وجود افزایش سطح علمی دانش آموزان نه چندان حساسیت آن کاهش پیدا نکرده است بلکه به مرور بر جایگاه آن در تربیت فرزندان افزوده می شود تا جایی که امروزه همه ی خانواده ها به این موضوع واقف شده اند و همین آگاهی بر نتیجه و مسئولیت خانواده ها در حفاظت از خانواده ها اضافه کرده است و تک تک خانواده ها در راستای این وظیفه باید برای رسیدن به اهداف تعیین شده ی که توسط جامعه، خانواده و حتی خود دانش آموزان در کنار هم گام های بلند و استوار بردارند تا بتوانند در کنار هم همه ی موانع و مشکلاتی که پیشرفت علوم و فناوری در مقابل آن ها نهاده است را برطرف کنند و و نه تنها در مسیر زندگی فرزندان همیشه یارو یاور آن ها باشند بلکه در مسیر شکوفایی استعداد های ذاتی آن ها هم کمک رسان باشند پس می توان از کارکردهای خانواده چشم پوشی کرد در هر جایگاهی خانواده تاثیر خود را به اندازه های مختلف تاثیر خود را خواهد گذاشت با اندکی دقت در تربیت و آموزش رفتارهای صحیح به کودکان و الگوگیری مناسب با کمک فرزندان ریشه در تربیت خانوادگی دارد پس با اندکی دقت در تربیت و آموزش رفتارهای صحیح به کودکان و الگوگیری مناسب با کمک فرزندان می توانند از بروز بسیاری از مشکلات رفتاری و تربیتی جلوگیری کرد پس نباید از تربیت کودکان از محیط خانواده غافل شد.

با این حال با توجه به آنچه که اشاره شد خانواده ها در اشاعه ی رفتارهای صحیح از جایگاه بالایی برخوردار هستند و در نتیجه با کمک جامعه می توان از به اهداف مناسب تربیتی مدنظر دست یافت امروزه مراقبت از کودکان حساس تر نیز شده است و نه تنها مسئولیت خانواده ها و جامعه در این مورد افزایش پیدا کرده است بلکه بر گستره و تعداد این آسیب های اجتماعی که دانش آموزان می توان به آن دچار شوند افزوده شده است به علاوه با وجود پیشرفت های حاصل شده در زمینه ی فناوری اطلاعات وقوع و درگیری دانش آموزان با انواع آسیب های اجتماعی بیشتر و نسبت به سال های قبل راحت تر شده است و این نیز بر سخت گیری و حساسیت خانواده ها در امور تربیتی افزوده است با این وجود تلاش همه ی خانواده ها بر این پایه استوار است که بتوانند فرزندان و دانش آموزان خود را هم در عرصه ی علمی و در کنار آن از لحاظ تربیتی به بالاترین سطح ممکن برسانند. امروزه با پیشرفت روزافزون امکانات و دسترس بودن آن برای همه ی افراد جامعه بودن در نظر گرفتن محدودیت سنی باعث به وجود آمدن مشکلات و آسیب های مختلف در بین دانش آموزان شده است هر چه امکانات پیشرفت می کند آسیب های اجتماعی نوپدید و مخرب تری شکل می گیرد که نیاز به توجه بیشتر را می طلبد در این عصر با توجه به همین مطلب جایگاه خانواده نسبت به قبل در مورد توجه به کودکان خود در مقابل این خطرات بیشتر و پررنگ تر شده است. این مقاله با روش علمی_مروری (کتابخانه ای) انجام گرفته شده است و در تهیه ی آن از انواع مقالات، کتاب ها، مجلات و معتبر استفاده شده است. یافته های این مقاله حاکی از آن است که جایگاه خانواده نسبت به گذشته در تربیت کودکان خود تغییر کرده و مسئولیت بیشتری بر دوش آن ها وجود دارد به گونه ای که اگر خانواده ای از این مسئولیت سرباز زند و کوتاهی کند و فقط به توانایی کودک خود در این دنیای پر خطر اتکا کند در آینده ی نه چندان دور کودک خود را غرق در مشکلات فراوان خواهد دید که حال باید وقت و زمان بیشتری را برای رهایی کودک خود از این مشکلات و آسیب های اجتماعی مختلف صرف کند تا کوتاهی خود را جبران کند. نتیجه ی کلی کا از این مقاله گرفته شده است نشان می دهد کودکان و دانش آموزان به علت روح لطیف و ساده ای که دارند بیشتر از گروه های دیگر در خطر گرفتار شدن در آسیب های مختلف اجتماعی هستند آن ها هر سخنی را بدون در نظر گرفتن عواقب آن و فقط با دیدن ظاهر جذاب آن پذیرش می کنند و به همین دلیل است که باید برای جلوگیری از وجود چنین خطراتی و پیش آمدهای به جایگاه خانواده ها در زندگی و تربیت کودکان و دانش آموزان بیشتر اهمیت بگذاریم و آن ها را در این راه کمک و یاری کنیم.

با توجه به اهمیت خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی و جلوگیری از مشکلات آتی سوالاتی که در این مقاله مطرح است عبارتند از:

- ۱- آسیب اجتماعی چیست؟
- ۲- انواع آسیب های اجتماعی کدامند؟
- ۳- جایگاه آسیب های اجتماعی در یادگیری چیست؟

که در این مقاله به دنبال دستیابی به پاسخ های این سوالات می باشیم.

آسیب شناسی اجتماعی

مفهوم «آسیب شناسی» نخست در مباحث پزشکی، برای شناسایی امراض و بیماری های مربوط به اعضای بدن و بافت هایش و درمان آن امراض به کار می رفت و سپس توسط دورکیم در مباحث «جامعه شناسی انحرافات» به کار رفت. در فرهنگ جامعه شناسی چنین آمده است: «این مفهوم قرن نوزدهمی مبتنی است بر تشابهی که بین بیماری های عضوی یا مرض شناسی و انحرافات اجتماعی قایل بوده اند. در بحث ۱. دورکیم از جرایم و خودکشی، آسیب شناسی اجتماعی بیش از آنکه امری مربوط به انحرافات افراد تلقی شود، بر اساس در نظر گرفتن فرق شرایط بهنجار و نابهنجار اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. به علاوه، دورکیم مدعی است که این فرق دارای عینیت است، مبتنی بر داوری اخلاقی نیست و آسیب شناسی اجتماعی را میتوان به طور علمی سنجید و مورد آزمایش قرار داد. متأسفانه کاربرد این مفهوم از طرف دورکیم مبهم است. وی آسیب شناسی اجتماعی را صرفاً یکی از وجوه بهنجار بودن شرایط جامعه به حساب می آورد.» (پویان، 1376)

نهاد اجتماعی

«نهاد اجتماعی» عبارت است از: شبکه روابط اجتماعی پایداری که برای برآورده شدن یک نیاز اساسی بشر شکل گرفته باشد. آنتونی گیدنز در تعریف «نهاد اجتماعی» می گوید: «شیوه های اساسی فعالیت اجتماعی که اکثریت اعضای یک جامعه معین از آنها پی روی می کنند. نهادها شامل هنجارها و ارزش هایی هستند که بسیاری از مردم با آنها همنوایی می کنند. همه شیوه های رفتار نهادی شده به وسیله ضمانت های اجرایی نیرومند حمایت می شوند. نهادها اساس یک جامعه را تشکیل می دهند؛ زیرا شیوه های نسبتاً ثابت رفتار را، که در طول زمان پایدار می ماند، ارائه می کنند.» (صبوری، 1374)

دیدگاه کارکردی، روابط خویشاوندی و خانوادگی ضرورت های اساسی مربوط به بقا را برآورده می کنند که این ضرورت ها عبارتند از:

1. تنظیم روابط جنسی و مقاربتی؛
2. فراهم ساختن حمایت زیستی از هر یک از اعضای جامعه، به ویژه نوزادان و کودکان که آینده سازان جامعه اند.
3. ایجاد واحد باثباتی از جامعه پذیری، به نحوی که کودکان بتوانند فرهنگ و مهارت های بازی نقش را، که برای زندگی بزرگ سالی اساسی است، کسب کنند
4. تأمین فضایی از حمایت اجتماعی مساوی برای کودکان و بزرگ سالان؛
5. تنظیم و روشمند ساختن جان گیری بزرگ سالان جوان در موقعیت های حیاتی تولیدی (اقتصادی) و بازآوری زایمان و تربیت بچه در جامعه. (بختیاری، 1378)

خانواده به دو نوع «هسته ای» و «گسترده» تقسیم می شود. مقصود از خانواده «هسته ای» خانواده ای است که از پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده است. ولی خانواده «گسترده» خانواده ای است که در آن، علاوه بر پدر و مادر و فرزندان، پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمه، خاله، دایی و عمو و فرزندان آنها حضور دارند. در جوامع سنتی، الگوی خانواده «گسترده» غلبه دارد؛ زیرا همبستگی طایفه ای و قبیله ای بسیار مستحکم است و تجمع افراد خانواده علاوه بر مشارکت در امر تولید و کشاورزی، ساز و کاری برای دفاع اجتماعی از خطرات طبیعت و جنگ و تهدیدها به شمار می رود. ولی در جوامع معاصر و صنعتی، بیشتر الگوی خانواده «هسته ای» و با جمعیت کم شیوع دارد و ارتباط و روابط خانوادگی در این نوع خانواده بسیار رنگ باخته و آنها از حمایت گسترده فامیل و طایفه کمتر برخوردارند. (در این مقاله، عمدتاً خانواده «هسته ای» مدنظر است. خانواده ها به چند دسته تقسیم می شوند: از جمله خانواده هایی که به خاطر سطح علمی خوب مدارس

اسلامی فرزندانشان را در این مدارس ثبت نام می نمایند بدون اینکه خود اعتقادی به تربیت دینی داشته باشند. دسته دیگر خانواده هایی که محیط آنها بر اساس تربیت دینی شکل نگرفته ولی مایل هستند فرزندانشان تربیت دینی داشته باشد که در هر دو مورد این مسئله باعث ایجاد دوگانگی در تربیت فرزند می شود. مشکل بزرگ تر هم زمانی اتفاق می افتد که این تأثیر نامطلوب در گروه دوستان از دانش آموزی به دیگر دانش آموزان انتقال پیدا می کند. اختلاف فرهنگی بین نسل ها: فاصله بین نسل ها و نبودن صمیمیت در خانه. در این خصوص 5 راهکار وجود دارد که عبارتند از دعوت کردن به راه خیر نه فقط با زبان بلکه با عمل، برخورد منطقی با خطاهای فرزندان، نظرخواهی از فرزندان در امور خانواده، رعایت عدالت بین فرزندان، ایجاد جهان بینی مشترک بین افراد. در این میان نقش مدرسه نیز با برگزاری جلسات آموزش اولیا و کارگاه های آموزشی حائز اهمیت است. (رئیس دانا، مجید) از موارد دیگر آسیب های تربیتی فاصله نسلی مذهبی دانش آموزان و مادران و عوامل مرتبط با آن می باشد که از نظر جامعه شناسی پدیده ای که عامل اختلاف و تعارض بین والدین و فرزندان می باشد فاصله نسلی نام دارد. هرچه شکاف و یا فاصله نسلی عمیق تر و وسیع تر باشد، امکان فهم و درک هر نسل از نسل دیگر مشکل تر می شود و بیگانگی آنها نسبت به هم بیشتر می شود. نکته های تربیتی فراموش شده در فرهنگ اصیل ما که عبارتند از: خودپروری از طریق دیگر پروری، نکات ریز در ساختار شخصیت، راه های کامیابی فرزندان، ترغیب در کنار تبلیغ، تعلیم و تربیت حیات مدار، نظر (نگاه) انسانی - نظر (نگاه) رحمانی، تعلیم و تربیت سؤال مدار به جای تعلیم و تربیت پاسخ مدار، پرهیز از روش نازپروری، تربیت طبیعی، تربیت از راه دل، توجه به دانش آموز آسیب زا، اثر قصه خوانی و افسانه گویی در تربیت. (جهانگرد، یدالله)

نقش و اهمیت خانواده

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده و توسعه یافته است؛ و در جوامع مختلف دارای نقش، پایگاه و منزلت های گوناگون است. با این که هسته ای کوچک از اجتماع است در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فوق العاده دارد. خانواده هسته اول همه سازمان ها و نهادهای اجتماعی است. همه نقش های مربوط به 1- ایجاد تمدن 2- انتقال موارث 3- رشد و شکوفایی انسانیت به آن مربوط می شود. همه سنت ها، عقاید و آداب، ویژگی های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید منتقل می گردد. جامعه متشکل از خانواده هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیان بخش آن به جامعه هم می رسد. ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است، انگیزه اعضایش در انگیزه های اجتماع تأثیر می گذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقشی مؤثر دارد. از نظر ما تشکیل خانواده خدمتی است به زن و مردی که برای حیات مشترک پیوندی برقرار کرده اند، و خدمتی است به اجتماع از نظر دور داشتن آن از عوامل فساد و لغزش و ایجاد احساس مسئولیت، و به کودک که نیاز به مربی و معلمی صالح دارد، و به مکتب و مذهب که تعلیم آن از این طریق حیات و تداوم پیدا می کنند. (تبیان)

ساخت خانواده

ساخت و پیکربندی خانواده در جوامع مختلف از زمان گذشته تا عصر حاضر متفاوت بوده و هست. شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آن اثر گذارده و دگرگونی هایی در آن ایجاد کرده است. ساخت خانواده هم اکنون در جوامع اولیه و متمدن به صورت تک همسری، چند همسری، چند زنی و حتی در جوامعی به صورت چند شوهری و در برخی از اجتماعات اشتراکی یعنی زندگی چند زن با چند شوهر در آن واحد است. از نظر سلطه و اقتدار در دنیای گذشته و امروز این جنبه ها به چشم می خورد: پدرسالاری، مادرسالاری، نظام برابری یافته (که در آن پدر و مادر دارای یک درجه از اقتدارند)، دایی سالاری، جدسالاری و ... البته در بسیاری از نقاط جهان امروز سلطه و فرمانروایی از پدر یا شوهر است اگرچه در مواردی خلاف آن دیده می شود. در جنبه رابطه خویشاوندی صورت های مادرتباری و پدرتباری به چشم می خورد. معمولاً در اکثر نقاط جهان فرزندان نام خانوادگی و لقب پدران را می گیرند گو این که در برخی از جوامع اولیه خلاف آن دیده می شود. در رابطه با مدیریت خانواده در اغلب موارد شوهر «رئیس خانواده» و زن «مدیر داخلی» به حساب می آید امری که در اسلام هم بر این اساس به پیش می رویم. مصالح کلی خانواده را شوهر طرح ریزی می کند، تصمیمات را

او می گیرد و زن در عین استقلال مطیع است. در عین حال شوهرها و مشارکت هایی هم در تصمیم گیری برای خانواده به چشم می خورد که عمومیت ندارد. (همان)

مشکلات اجتماعی و تاثیر آن بر خانواده

1-جهان معاصر

شناخت ویژگی های جهان معاصر ما را با واقعیات زندگی اجتماعی - که گیدنز از آن به «جهانی شدن زندگی اجتماعی» یاد می کند - و تأثیرات آن بر خانواده و آسیب های آن بیشتر آشنا می سازد. به طور فشرده، می توان به چند ویژگی شاخص جهان معاصر اشاره کرد:

1. ناهمگرایی میان کشورهای غنی و فقیر؛

2. جهانی شدن رسانه های جمعی؛

3. تحولات سریع و شتابان؛

4. جهانی شدن اقتصاد و تجارت جهانی

5. عصر سلطه و استعمار؛

6. تورم گسترده و بحرانها؛

7. مسابقه تسلیحاتی؛

8. بحران انرژی و مواد اولیه؛

9. رشد دین گرایی؛

10. هسته ای شدن خانواده؛

11. نهضت دفاع از حقوق زنان؛

12. مرحله گذار از مدرنیسم به پست مدرنیسم.

آشنایی با شاخص های مزبور و توجه به میزان تأثیر آنها در نهاد خانواده، چشم اندازی را پیش روی ما می گشاید که همه مشکلات و نابهنجاری ها را معلول ارتباط درونی اعضای خانواده ندانیم و با وسعت بینش و نظر، از دخالت خودآگاه و ناخودآگاه چنین عواملی چشم پوشی نماییم. پس از بررسی مفاهیم بحث، آسیب های اجتماعی، که در جوامع معاصر و در حال گذرا وجود دارد، مورد بررسی قرار می گیرد:

2. افسردگی

یکی از آسیب هایی که منشأ اجتماعی دارد، «افسردگی» است. این بیماری روحی، که واکنش طبیعی در مقابل فشارهای زندگی است، در زنان بیش از مردان پدید می آید. در تعریف «افسردگی» می گویند: «افسردگی نوعی نابهنجاری خلقی یا عاطفی است که طیف های پایین آن را افراد عادی نیز بعضی مواقع، تجربه می کنند. خود ما بعضی وقت ها احساس غم و ملامت می کنیم و حاضر نیستیم به هیچ کاری حتی کارهای لذت بخش دست بزنیم (بیرامی، 1378)

3 شکاف سنی در ازدواج

یکی دیگر از آسیب های خانواده فاصله سنی زیاد میان زن و مرد است. هرچند مردان دوست دارند با زنان جوان تر از خود ازدواج کنند، اما به هر حال، وجود مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیاری مانع جدی چنین کاری به شمار می آید. به عقیده برنارد (Bernard. J) (بیشترین خرسندی برای زنان هنگامی حاصل می شود که با مردی ازدواج کنند که پنج تا شش سال، سالمندتر از ایشان باشد و برای مردان همین خرسندی هنگامی به وجود می آید که میان صفر تا ده سال بزرگ تر از همسرانشان باشند. 19 در برخی مناطق کشور ما، مردان گاهی با داشتن فاصله بیش از 40 سال از زنان، با آنان ازدواج می نمایند و خانواده ها صرفاً برای منافع مادی با چنین ازدواج هایی موافقت می کنند. این امر معمولاً در سطح انسان های معمولی موجب بحران و ستیزه های خانوادگی می شود و کفویتی که در فرهنگ اسلام بر آن تأکید گردیده، نادیده انگاشته می شود؛ زیرا روشن است که تمایلات، نیازها و احساسات یک مرد 60 ساله بسیار متفاوت تر

از دختر نوجوان 14 ساله است. تفاهم، عشق و محبت چگونه در سایه این ازدواج جامه عمل می پوشد و آیا چنین دختری آمل، آرزوها و سعادت خود را در این زندگی مشترک می یابد؟ در این خصوص، لازم است سن متناسب ازدواج برای زوجین رعایت شود تا مصالح زندگی زوجین رعایت گردد. این موضوع به سلامت خانواده از لحاظ روحی، جسمی، فرهنگی و اجتماعی کمک شایان توجهی می کند.

4. تبدیل خانه به خوابگاه

در جامعه معاصر، زنان بسیاری شاغل هستند، مرد هم برای فراهم نمودن یک زندگی نسبتاً مرفه مجبور به داشتن دو شغل است و فرزندان هم هر یک دنبال مدرسه و دانشگاه هستند. در چنین وضعیتی، خانه کارکرد اصلی خود را از دست می دهد. در زمانی که زن کدبانوی خانه بود و مرد یک شغله بود، فرصتی فراهم می شد تا ارتباطات کلامی اعضای خانواده با یکدیگر بیشتر باشد، محبت و روابط صمیمی معنا پیدا می کرد و پدر فرصت می یافت به تربیت فرزندان بپردازد و از وضعیت تحصیلی، دوستان و مشکلات آنان اطلاع کسب نماید و با تجارب ارزشمند خود، فرزندان را راهنمایی کند. اما اکنون مادر خسته از کار برگشته نه حال و حوصله ابراز محبت به فرزندان دارد و نه می تواند شوهرداری کند. اینجاست که خانه نقش اصلی خود را از دست می دهد و تنها شب هنگام، اعضای خانواده برای خوابیدن، غذا خوردن و تماشای برنامه های تلویزیونی گرد یکدیگر جمع می شوند و همه اعضا به نوعی مشکلات و دغدغه های بیرونی را در روابط با اعضا لحاظ می کنند. در چنین شرایطی است که خانواده متزلزل می شود و به محیطی سرد و بی عاطفه تبدیل می گردد؛ محیطی که اعضای آن همیشه با یکدیگر طلب کارانه برخورد می کنند و هر کس در مسابقه گرفتن حق خود برای رفاه فردی خویش است. خانه و خانواده در بینش دینی، محیطی گرم و محل تصمیم سازی برای آینده زندگی است که اعضا با مشورت یکدیگر بتوانند مشکلات زندگی را بررسی و حل نمایند. ارتباطات کلامی و عاطفی نقش مهمی در این رابطه دارد و شاید تلویزیون و سایر رسانه های تصویری مانع جدی وقت گیری هستند که نمی گذارند اعضای خانواده ارتباط بیشتری با یکدیگر داشته باشند.

5. خشونت خانوادگی

خشونت و برخوردهای قهرآمیز آرامش خانواده را به هم زده است و زنان و کودکان بیشترین قربانیان خشونت هستند. در غرب، جامعه شناسان این پدیده را به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد مطالعه قرار داده اند. نخستین بار در سال 1962 هنری کمپ در مقاله ای به نام «سندرم کودک کتک خورده» کودکانی را توصیف کرد که تحت بدرفتاری و خشونت خانوادگی قرار گرفته اند. البته نگرش حاکم بر بیشتر جوامع چنین است که خانواده محیطی خصوصی است و دیگران، جامعه و دولت حق دخالت در امور شخصی افراد را ندارند. نگرش چشم پوشی از خشونت های خانوادگی نیز وجود دارد. 20 معمولاً در جوامع پدرسالار، این حق برای پدر محفوظ است که می تواند در صورت مشاهده رفتاری که با ارزش و هنجارهای پدر خانواده سازگاری ندارد، کودکان و زنان خود را تنبیه کند تا بدین وسیله، هنجارهای مورد نظر خود را در محیط خانواده با قوت حاکم نماید. اما ضرب و جرح کودکان و زنان اثرات ناگواری بر شخصیت و عواطف و احساسات آنان بر جای می گذارد و کودک را دچار اختلالات روانی کرده، او را با نارسایی در کلام و فکر مواجه می سازد و اعتماد به نفس را در او نابود می سازد؛ زن را هم از ایفای نقش مادری و همسری دل سرد می کند. منطق دین در هنگام بروز نابهنجاری از سوی کودکان و زنان، ابتدا روشننگری، نصیحت و ارشاد است و در نهایت، که هیچ راهی برای هنجارمند کردن آنان وجود نداشته باشد، تنها مقدار اندکی تنبیه برای رفع ضرورت تجویز شده است. برخی کج اندیشان به غلط تصور کرده اند تفاوت های حقوقی بین مرد و زن نوعی خشونت قانونی تلقی می شود که باید در نفی و محو آن تلاش کرد؛ اما باید دانست که چنین تصویری غلط است. تفاوت مالی مرد و زن در ارث و دیه ناشی از عدم مسئولیت زن در تأمین هزینه های خانواده و حتی هزینه های شخصی خود در نظام اسلامی است. از سوی دیگر، اختلاف زن و مرد در مسئله شهادت و قضاوت نیز ناشی از عاطفی بودن زن، مشکلات ماهانه و زایمان است و علاوه بر این، جواز ضرب و کتک زدن زن، که در برخی آیات و روایات آمده، در شرایط استثنایی و متناسب با وضعیت ویژه ای است و به قدر ضرورت تجویز شده است.

6. اختلال در جامعه پذیری و فرایند تربیت

یکی از آسیب های جدی خانواده اختلال در فرایند تربیت فرزندان و جامعه پذیر کردن آنهاست؛ زیرا در این صورت، فرزندان راه و روش برخورد با دیگران، پدیده ها و مشکلات اجتماعی را نمی شناسند. بروس کوئن در تعریف «اجتماعی شدن یا جامعه پذیری» می نویسد: اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه های زندگی کردن در جامعه را می آموزد، شخصیت می دهد و ظرفیت های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می بخشد. (توسلی، فاضلی؛ 1374). بسیاری از جامعه شناسان و نیز روان کاوان عقیده دارند: ریشه بسیاری از انحرافات شخصیت را باید در پرورش نخستین خانوادگی جستجو کرد؛ زیرا اگر منشأ اغلب کج رفتاری ها و انواع متنوع بیماری های روانی بررسی شود، نقش پرورش خانواده در کیفیت رشد شخصیت آشکار می گردد. (فرجاد، منصور؛ 1372) هرچند برخی از نقش های خانواده مانند «آموزش» به نهادهای دیگری مانند آموزش و پرورش داده شده، اما با این وصف، هنوز هیچ نهاد اجتماعی نتوانسته است در امر تربیت و پرورش انسان ها جایگزین خانه و خانواده شود. فرزندان در محیط خانه با هنجارها آشنا می شوند و ارزش های دینی و اخلاقی را در عمق شخصیت خود نهادینه می کنند و هنگامی که وارد مدرسه و دانشگاه و محیط کار می شوند، همان سرمایه تربیت و جامعه پذیری خانوادگی را با خود به چنین محیط هایی می آورند. جامعه پذیری یا تربیت فرزندان یکی از وظایف و کارکردهای اصلی خانواده به شمار می آید که در روایات مورد تأکید قرار گرفته است

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم»؛ (همان) به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید. با توجه به توصیه های جامعه شناسان و تأکید نصوص دینی بر ضرورت تربیت صحیح فرزندان، چنانچه خانواده نتواند نقش مهم جامعه پذیری و تربیت را برای فرزندان به اجرا درآورد، فرد هنگامی که وارد جامعه می شود، نمی داند چه راه صحیح و مشروعی را باید در مواجهه با انواع نابهنجاری ها و بحران های اجتماعی در پیش گیرد و در این صورت است که زمینه های انحراف برای او فراهم می شود و به سرعت بی هنجار و کج رو می گردد. نکته قابل توجه اینکه پدر باید نسبت به انحرافات و کجروی زن و فرزندانش دارای روحیه «غیرت دینی» باشد. «غیرت» نیروی بازدارنده ای است که مرد را در مقابل انحراف اعضای خانواده حساس می کند و اجازه نمی دهد از هنجارهای شناخته شده تخلفی صورت گیرد (ضمیری، 1385)

نحوه ی تشخیص تغییر رفتاری از حالت عادی به حالتی غیرنرمال و نابهنجار

عمدتاً چهار معیار برای این امر وجود دارد:

ملاک آماری: از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و نابهنجار تلقی می شود.

ملاک اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

ملاک فردی: از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلاً فرهنگیان و یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه گردد، چنین رفتاری نابهنجار تلقی می شود. (3)

ملاک دینی: علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چرا که معیارهای مزبور، معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پای بندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می کنند. اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار

تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجار شکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملاً عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار دیگر تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می شود.

حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟ بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند. هر چند بررسی عمیق انحرافات اجتماعی مجال دیگری می طلبد، اما به اجمال، به چند عامل مهم پیدایش انحرافات اجتماعی اشاره می گردد.

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، موجب می شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. (ستوده، 1379)

پیشنهادهای

- ۱_ دادن مشاوره به خانواده ها در تربیت کودکان و دانش آموزان.
- ۲_ کاهش زمینه های گرفتار شدن دانش آموزان.
- ۳_ تعامل با مدرسه برای همکاری دوجانبه در مورد آسیب های اجتماعی.
- ۴_ صرف زمان و وقت بیشتر در تربیت دانش آموزان توسط خانواده.
- ۵_ شناسایی کودکان دارای خانواده های پر خطر و کمک به کودکان.
- ۶_ آشنا کردن خانواده ها با انواع آسیب های اجتماعی که امروزه شروع به شکل گیری کردند.
- ۷_ آشنا کردن خانواده با راه های مقابله با گرفتار شدن دانش آموزان و بالعکس کشف استعدادها و دانش آموزان توسط خانواده و مدرسه و پرورش آن.

نتیجه گیری

در عصر حاضر با همه ی تحولات مختلف در عرصه های فرهنگی، علمی، هنری و موارد دیگر بروز مشکلات به همان میزان افزایش پیدا کرده است به گونه ای که می توان این گونه بیان کرد که به هر اندازه که علم و فناوری پیشرفت کرده مشکلات نیز همراه آن برای

بشریت بیشتر شده است به همان میزان علاوه بر بیشتر شدن آسیب های اجتماعی پیچیدگی آن نیز افزایش پیدا کرده است به همین دلیل برای جلوگیری از بروز رفتارهای نامناسب عوامل زیادی باید دست در دست هم دهند تا بتوانند از احتمال وقوع این نوع مشکلات که بیشتر جنبه ی جذاب آن آدمی را به خود مشغول می کند بدون آن که بیشتر افراد از جنبه ی منفی آن خبر داشته باشند با این حال در میان بیشتر افراد کسانی که بیشترین آسیب را بر می بینند کودکان می باشند این گروه از افراد نه تنها تجربه ی کافی برای انتخاب ندارند بلکه در مقابل تبلیغات جذاب بسیاری از افراد که هدفی غیر از آنچه بیان می کنند را دارند به سادگی فریب خورده و در دام آن ها گیر می کنند در نتیجه این گروه نسبت به افراد دیگر نیاز به توجه و کنترل بیشتر دارند با این حال با توجه به مطالبی که بیان شد باید عوامل مختلفی در نقش مکمل هم باشند یکی از این عوامل مهم و تاثیر گذار در این زمینه خانواده می باشند که به دلیل ارتباطی که با دانش آموزان دارند و میزان صمیمیت آن ها با دانش آموزان می توانند بیشترین تاثیر را بر دانش آموزان و زندگی را بگذارند و در کنار آن با مشاهده کردن رفتارهای فرزندان خود برای کمک به آن ها تلاش کنند و عوامل مختلفی که بر سر راه آن ها قرار دارند را یکی به یکی حذف کنند پس خانواده ها نیز از دیر باز به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در تعیین رفتارهای دانش آموزان بوده اند و این امر امروزه بیشتر از زمان های گذشته بوده است در نتیجه نمی توان از این عامل به سادگی رد شد و همه ی رخدادهای پیش رو را بر عهده ی دانش آموزان نهاد که در این صورت مشکلاتی که برای دانش آموزان پیش خواهد آمد خارج از انتظار خواهد بود پس با وجود دهمه ی این تفصیل می توان به جایگاه خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی مخصوصا در خصوص دانش آموزان دست یافت که نقش مثبتی در این راه دارند.

نتیجه ی کلی کا از این مقاله گرفته شده است نشان می دهد کودکان و دانش آموزان به علت روح لطیف و ساده ای که دارند بیشتر از گروه های دیگر در خطر گرفتار شدن در آسیب های مختلف اجتماعی هستند آن ها هر سخنی را بدون در نظر گرفتن عواقب آن و فقط با دیدن ظاهر جذاب آن پذیرش می کنند و به همین دلیل است که باید برای جلوگیری از وجود چنین خطراتی و پیش آمدهای به جایگاه خانواده ها در زندگی و تربیت کودکان و دانش آموزان بیشتر اهمیت بگذاریم و آن ها را در این راه کمک و یاری کنیم.

منابع

- 1- هدایت الله ستوده(1379)، آسیب شناسی اجتماعی، (تهران: نشر آوای نور، ص 80-14).
- 2-جلالی ، علی اکبر (1382).آسیب شناسی فناوری اطلاعات در خانواده : پژوهشکده خانواده .
- 3-رفیعیپور، فرامرز (1378)وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش ها: کتاب فردا.
- 4-رهنمائی، سید احمد. آسیب شناسی فرهنگی. فصلنامه معرفت شماره 30.
- 5-رئیس دانا، مجید(مترجم).والدین مؤثر فرزند مسئول.
- 6- جهانگرد، یدالله. نحوه رفتار والدین با فرزندان
- 7-نیکلاس آبر کرامبی و دیگران(1376)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپخش، ص 354.
- 8- آنتونی گیدنز(1374)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ دوم، تهران، نشر نی، ص785.
- 9- جانانان اچ. ترنر(1378)، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمه محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص 263.
- 10- بیرامی ،منصور(1378) ، خانواده و آسیب شناسی آن، آیدین، ص 106.
- 11- شورکی، مصطفی(1379) رهایی از افسردگی، ارجمند، ص 10-13.
- 12- ایوی ام. بلاک برن(1380)، مقابله با افسردگی و شیوه های درمان آن، ترجمه گیتی شمس، تهران، رشد، ص 63-64.
- مجلسی ،محمدباقر ، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث، ج 71 ص 139
- 13- ساروخانی، باقر(1370) جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ص 53.



دهمین همایش ملی



تازه های روانشناسی مثبت



- 14- اعزازی، شهلا(1376) جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، روشنگران و مطالعات زنان، ص 199.
- 15- کوئن، بروس(1374) مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضلی، چ چهارم، تهران، سمت، ص 103-104.
- ضمیری، محمدرضا(1385)، معرفت شماره ۱۰۴، نیم نگاه به آسیب شناسی خانواده.